

پیشگفتار

امروزه در نگرش جدید نسبت به ابعاد مختلف توسعه، به توسعه انسانی توجه خاصی شده است. چرا که توسعه انسانی حضور و مشارکت تمامی اعضای جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد. در نگرش‌های جدید، توسعه‌یافتگی مورد توجه پژوهشگران تنها ابعاد مادی و اقتصادی ندارد، بلکه توسعه دگرگونی جامع و دامنه‌داری تصور می‌شود که تمامی وجوه حیات انسانی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی را در برمی‌گیرد. در این نگرش جدید، انسان تنها ابزاری برای پیشرفت و رشد جوامع محسوب نمی‌شود، بلکه رشد و پیشرفت و رفاه او به عنوان هدف توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد. مطالعات توسعه در این نوع نگاه جدید، مسائل مربوط به زنان را نیز مورد توجه قرار داده است. به همین جهت مشارکت و حضور زنان در همه عرصه‌های عمومی اهمیت پیدا می‌کند.

همان‌طور که می‌دانیم در الگوی توسعه‌یافتگی جهانی، فرآیند حرکت در جهت پیشرفت مادی و معنوی انسان، اغلب با ورود هرچه گسترده‌تر زنان به حوزه عمومی

همراه بوده و سهم زنان در تصمیم‌گیری برای زمینه‌های گوناگون افزایش پیدا کرده است. توسعه می‌تواند و باید امکانات لازم را برای تمامی اقشار جامعه فراهم کند تا همه بتوانند ضمن ابراز و اثبات توانمندی خود، به اهداف انسانی خویش دست یابند و تمام اعضای جامعه از مواهب زندگی و فرصت‌های یکسان برخوردار باشند. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران این فرصت برابر برای تمام اعضای جامعه و به طور اخص برای زنان به عنوان بازیگران فعال در روند توسعه، به وجود نیامده است. همین موضوع اهمیت نقش‌آفرینی زنان را به عنوان نیمی از افراد فعال جامعه نشان می‌دهد. بررسی فرآیند توسعه در بیشتر کشورهای جهان اعم از پیشرفته یا در حال پیشرفت حاکی از آن است که توسعه، هیچ‌گاه بی‌طرف نبوده و همواره در ابعاد مختلف، زنان را مورد غفلت قرار داده است. در برنامه توسعه بیشتر کشورهای در حال توسعه، زنان به عنوان یک بازیگر منفعل شناخته می‌شوند و به عنوان یک بازیگر فعال دارای نقشی ثانویه هستند.

مطالعه پیش رو در صدد پاسخ به این سوال اساسی است که چگونه می‌توان با بررسی وضعیت زنان در چهار سطح دیدگاه رسمی و پذیرفته شده نسبت به زنان در جامعه، سطح علل نظام‌مند که شامل جایگاه زنان در ساختارهای اجتماعی و قانونی می‌شود، سطح جهان‌بینی / گفتمان که نگاه گفتمان‌های تأثیرگذار در تاریخ ایران را نسبت به نقش‌آفرینی زنان مورد بررسی قرار می‌دهد، و سطح اسطوره و استعاره که جایگاه زنان را در اسطوره‌های تاریخ ایران مورد واکاوی قرار می‌دهد، یک آینده مطلوب از توسعه سیاسی ایران با حضور تمام اقشار جامعه به‌خصوص زنان ترسیم کرد؟

علی‌رغم تحقیقات فراوانی که در این زمینه صورت گرفته، خلأهای فراوانی در سیاست‌گذاری دولت‌ها دیده می‌شود. این موضوع حاکی از آن است که عموماً تحقیقات کاربردی نبوده‌اند و در بیان اهداف، آرمان‌گرایانه عمل کرده‌اند و از واقعیت حاکم بر اجتماع دور بوده‌اند.

بر همین اساس به منظور دستیابی به یک راه‌حل کاربردی، مطالعه پیش رو بر اساس روش تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها^۱، بر آن است تا آینده نقش‌آفرینی زنان در توسعه سیاسی ایران را مورد واکاوی قرار دهد. بر اساس این روش به بررسی وضعیت زنان ایران در چهار سطح می‌پردازیم. این سطوح عبارتند از سطح قابل رویت جامعه (لیتانی)، سطح علل نظام‌مند اجتماعی، سطح جهان‌بینی و گفتمان، سطح اسطوره و استعاره. بر اساس این روش هرچه در بررسی وضعیت یک موضوع به لایه‌های عمیق‌تر موضوع نفوذ کنیم، هم درک و تبیین از آن گسترده‌تر خواهد بود و هم در ترسیم آینده، مدت طولانی‌تری را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در نهایت مطالعه حاضر در هر سطح، بدیل‌هایی برای نقش‌آفرینی زنان به منظور شرکت در روند توسعه سیاسی ایران را ارائه می‌دهد. هدف از پیاده‌سازی تحلیل لایه‌لایه علت‌ها، ساخت‌شکنی پدیده‌های اجتماعی و رسیدن به درکی عمیق از لایه‌های زیرین مسائل و مشکلات است. پس از آشکار شدن لایه‌های مختلف پدیده‌ها و قرار گرفتن متن در بافت، نوبت به تدوین و ارائه سناریوهای بدیل آینده می‌رسد. ارزش و سودمندی این روش در پیش‌بینی بهتر و دقیق‌تر آینده نیست، بلکه با ایجاد فضاهای گذار، زمینه لازم برای خلق آینده‌های بدیل را فراهم می‌کند. کمک به گسترش و تولید ادبیاتی با موضوع زنان در عین استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی، از مهم‌ترین اهداف تولید این اثر علمی بوده است.

در مرحله بعد پس از ارائه بدیل‌هایی در هر سطح بر اساس روش سناریونویسی هشت مرحله‌ای عدم قطعیت‌های بحرانی به تدوین سناریوهایی درباره آینده نقش‌آفرینی زنان در روند توسعه ایران می‌پردازد. هدف از ارائه سناریو، کشف آینده‌های ممکن درباره هر موضوع است.

در ادامه بر اساس دو عدم قطعیت جهانی‌شدن و نوگرایی دینی - که از ادبیات تولید شده در سطوح چهارگانه استخراج شده بود - به تدوین چهار سناریوی ممکن در این

۱ Causal Layerd Analysis

زمینه می‌پردازد. هر سناریو یک آینده ممکن درباره وضعیت مشارکت سیاسی زنان ایرانی در آینده را پوشش می‌دهد.

در نهایت بر اساس تعریف مطالعه حاضر از توسعه سیاسی که آن را «کثرت‌گرایی سیاسی در عین هم‌پذیری سیاسی» می‌داند، به تشخیص علائم راهنما و نشانک‌های ضعیف در میان سناریوهای ممکن می‌پردازد و از این راه سناریوی محتمل و سناریوی مطلوب را استخراج می‌کند.

توسعه سیاسی از دیدگاه مطالعه حاضر را می‌توان به شکل خلاصه این‌گونه بیان کرد: «در معنای سنتی، توسعه سیاسی مشارکت تمامی افراد جامعه و گسترش جامعه مدنی به منظور تبدیل خواسته‌های افراد و گروه‌های مختلف به سیاست مورد نظر آن‌ها خوانده می‌شود که در این صورت زمینه کثرت‌گرایی سیاسی فراهم می‌شود. این در حالی است که هر قدر به سمت جهانی‌شدن پیش می‌رویم در بیان بدیلی برای آینده توسعه سیاسی، باید کثرت‌گرایی سیاسی در عین هم‌پذیری^۱ توسط گروه‌های مختلف فراهم شود. در این شرایط جامعه به سمتی می‌رود که در آن، «من»های ذهنی شکسته شده و انسان از هرگونه هم‌هویت‌شدگی با عوامل مختلف رها شده است. در این صورت زمینه تساهل، مدارا و هم‌پذیری فراهم می‌شود. جهانی‌شدن به عنوان بدیلی برای آینده با شکستن مکان و جغرافیای ملی، زمینه این هم‌پذیری را فراهم می‌آورد. زیرا در مکان تعارض موجود است و با تعریف مرز، دوگانه خود/دیگری مفهوم می‌یابد که این نگرش دوگانه بر این تعارض دامن می‌زند و زمینه و تساهل و هم‌پذیری بین افراد را کاهش می‌دهد». با این توصیف، مطالعه پیش رو توسعه سیاسی را با تساهل، مدارا و هم‌پذیری اجتماعی تعریف می‌کند که در طول تحقیق نیز به این تعریف متعهد می‌ماند.

۱ tolerance